



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۴۰	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۰ / ۰۷
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»				
عنوان ۴	حقیقت صراط و مراتب نعمت در قرآن کریم				
عنوان ۵	مراتب اطاعت و مقام متمحضین در ولایت				
عنوان ۶	ولایت تکوینی و خلافت مطلقه الهی				
عنوان ۷	اتمام نعمت بر امت و حقیقت صراط				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه با محوریت آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، به تبیین هستی شناسانه و سلوکی «نعمت» و «صراط» در قرآن کریم می پردازد. رئوس مطالب مطرح شده عبارتند از:

- ❖ **تکثر مراتب نعمت:** نعمت الهی به دو سطح «عامه» (شامل تمامی مواهب تکوینی و مادی برای عموم خلایق) و «تامه یا خاصه» (نعمت فضلی و برتری بخش) تقسیم می شود. نعمت تامه، پاداش «اطاعت محض» و فناء در اراده الهی است.
- ❖ **مقام متمحضین در اطاعت:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان «صنایع الهی» (دست پرورده های مستقیم خدا)، واجد کمال انقطاع و نعمت تامه هستند. ایشان واسطه فیض و مجرای تحقق اراده حق در نظام هستی می باشند.
- ❖ **خلافت مطلقه و ولایت تکوینی:** خلافت الهی در زمین، حقیقتی واحد و متعلق به وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که سایر انبیا نقش «تمهیدی» و ائمه هدی علیهم السلام نقش «امتدادی» در آن ایفا می کنند. بر اساس این خلافت مطلقه، ولایت تکوینی (تصرف در نظام آفرینش به اذن الله) برای معصومین علیهم السلام امری مستدل و ضروری است.
- ❖ **استمرار تحکیم رسول:** طبق آیات قرآن، شرط ایمان، تسلیم محض در برابر حکم رسول است. از آنجاکه این شرط تا روز قیامت استمرار دارد، ولایت و حاکمیت ائمه علیهم السلام عین حاکمیت رسول الله صلی الله علیه و آله تلقی می گردد.

❖ حقیقت صراط مستقیم: صراط، مسیری مجرد از رهرو نیست؛ بلکه حقیقت «عمل» است. از این منظر، معصومین علیهم السلام به جهت دارا بودن مقام «عمل صالح مطلق»، خود صراط مستقیم هستند و اتمام نعمت بر امت، تنها در پرتو تبعیت از ایشان حاصل می‌گردد.

حقیقت صراط و مراتب نعمت در قرآن کریم

بحث ما پیرامون آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است. چنین بیان کردیم که نعمت در قرآن کریم بر دو گونه یاد شده است و آیات مربوط به نعمت، آن را در دو ساحت به کار برده‌اند:

❖ ۱. نعمت عامه: نعمتی است که جمیع نیکی‌های جهان هستی را در بر می‌گیرد؛ چنان‌که در سوره ابراهیم می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»^۱. یعنی هر آنچه مایه نیاز شماست، خدای متعال برایتان فراهم آورده است. «سَأَلْتُمُوهُ» به معنای «احتجتم الیه» است؛ در اینجا مقصود از سؤال، تمنای تکوینی است و نه لزوماً سؤال به لسان. این نعمت، نعمتی عامه است که از چندین منظر فراگیری دارد: هم جمیع انواع نعمت را شامل می‌شود، هم گستره آن، همه بندگان و آفریدگان را در بر می‌گیرد و هم در برگیرنده تمامی درجات نعمت است.

❖ ۲. نعمت خاصه (نعمت تامه): لکن نعمت دیگری در قرآن کریم ذکر گشته که نعمتی ویژه و خاصه است و از آن به «نعمت تامه» تعبیر می‌شود. خدای متعال گاه بر بندگان خویش اتمام نعمت می‌کند. اتمام نعمت نیز در گرو «اطاعت» است؛ اطاعت از ساحت قدس خدای متعال.

مراتب اطاعت و مقام متمحضین در ولایت

برای اطاعت، دو مرتبه - به طور اجمال - وجود دارد: در آیه شریفه سوره نساء می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۲ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا^۳؛

همان‌گونه که بیان شد، این نعمت تامه، «نعمت فضلی» است؛ بدین معنا که هر کس نعمت تامه شامل حال وی گردد، نسبت به دیگران برتری و فضل می‌یابد.

این نعمت تامه، بدایه بر عبادی نازل می‌شود که در اطاعت حق، «متمحض» گشته‌اند و دست ساخته خود پروردگارند. خدای متعال درباره حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي»^۴. پیرامون وجود مقدس خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله نیز هم در قرآن و هم در روایات، تعابیر مشابهی موجود است؛ نظیر آیه «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى»^۵ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ

۱. سوره ابراهیم: ۳۴.

۲. سوره نساء: ۶۹ و ۷۰.

۳. سوره طه: ۴۱.

أَدْنَى^۱». این «تدلی» در اینجا به معنای فنا در اطاعت خداست؛ چندان نزدیک شد که شد «زید به تعلق». در مناجات شعبانیه نیز چنین نجوا می‌کنیم: «إِلَهِ هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْتَ أَبْصَارُ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ».

این تعلق به عزّ قدس الهی، بی واسطه برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاصل گشت. ائمه هدی علیهم السلام نیز نفس رسول الله و از اویند. پروردگار خود، اینان را پرورش داده است؛ همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ أَدِيبِي ...»^۲. در نهج البلاغه هم آمده است: «فَأَنَا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا»^۳. این دقیقاً همان کلامی است که در پی تبیین آنیم؛ نخست ما را خدا می‌سازد و اتمام نعمت برای اینان به وقوع می‌پیوندد، چرا که در اطاعت خدا متمحض گشته‌اند.

ولایت تکوینی و خلافت مطلقه الهی

هر آن کس که در اطاعت خدا متمحض گشت، یعنی هر آنچه «خدایی» است در اختیار وی قرار می‌گیرد. خلافت و سجده ملائکه بر آدم نیز ظاهراً بدین معناست؛ یعنی خضوع اشیاء برای انسان به مثابه «خلیفه الله».

پرسشگر: چی؟ (مقصود از خلافت در زمین چیست؟)

استاد: در آیه «...إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»^۴، این «أرض»، مطلق است و تنها یک خلیفه موجود است و آن وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. سایر انبیا (پیش از ایشان) «خلفای تمهیدی» هستند به گونه‌ای خلیفه الخلیفه. و ائمه هدی علیهم السلام «خلفای امتدادی» می‌باشند؛ یعنی همان خلافت رسول خدا که تا وجود مقدس بقیه الله علیه السلام امتداد می‌یابد. این مطلب دارای قرینه قرآنی است؛ آنجا که می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۵.

شرط ایمان در جمیع اعصار تا روز رستاخیز، «تحکیم رسول» است. این بدان معناست که حکومت رسول تا روز قیامت استمرار دارد؛ وگرنه تحکیم رسول برای مؤمنانی که هم عصر ایشان نبوده‌اند، امری ممتنع می‌گشت. پس تحکیم علی علیه السلام، تحکیم حسن علیه السلام، تحکیم حسین علیه السلام و تحکیم ولی عصر علیه السلام، همگی عین «تحکیم رسول صلی الله علیه و آله» است. او «خلیفه الله علی الاطلاق» است. در آیه خلافت، تعبیر «فِي الْأَرْضِ» آمده است و نه «علی الأرض»؛ بدین معنا که زمین مرکز و پایتخت این خلافت است؛ لکن خلافت او مطلق است. از همین آیه، «ولایت تکوینی مطلق» برای ائمه علیهم السلام استنباط می‌گردد.

پرسشگر: چرا و چگونه چنین ولایتی دارند؟

استاد: اینکه برخی استبعاد می‌کنند که چطور امام صادق علیه السلام یا ولی عصر علیه السلام ولایت تکوینی دارند، امری شگفت نیست. این افلاک و تکوین به واسطه خلیفه خدا تدبیر می‌شوند. اگر خورشید واسطه خدا در نورافشانی و گرماست و

۱. سوره نجم: ۸ و ۹.

۲. مکارم الأخلاق: ص ۱۷.

۳. نهج البلاغه: نامه ۲۸.

۴. سوره بقره: ۳۰.

۵. سوره نساء: ۶۵.

حرجی بر آن نیست، پس واسطه بودن علی بن ابی طالب علیه السلام چه حرجی دارد؟ این امر منوط به دلیل است و بر وفق دلیل، ائمه، واسطه فیض هستند؛ چراکه خلافتشان مطلق است.

اتمام نعمت بر امت و حقیقت صراط

بنا بر آنچه ذکر شد، اتمام نعمتی بر «ولی خدا» صورت می پذیرد؛ چراکه او عین اطاعت خداست. سپس هر آن کس که از این ولی خدا پیروی کند، این اتمام نعمت شامل حال وی نیز خواهد گشت. از این روی فرمود:

«... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ...»^۱؛

این اتمام نعمت بر «امت» است. اتمام نعمت بر خود رسول در مواضع دیگر قرآن اشارت رفته است، از جمله:

«أَمْرٌ يُحْسِنُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»^۲؛

«فضل» در اینجا همان اتمام نعمت است و «ملک عظیم» بر مقام امامت دلالت دارد. این همان تمنایی است که ابراهیم علیه السلام از پروردگار خویش داشت: «... قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ...»^۳. طلب انبیا، طلبی «مأذون» است و نه از روی هوای نفس؛ از این رو مستجاب است. یعنی تا خدا اذن ندهد، نبی چیزی نمی طلبد. حتی فعلی که خدا اراده کرده بین بندگان به انجام رساند، با طلب نبی به غایت می رساند؛ چنان که در عذاب قوم لوط، فرشتگان نخست نزد ابراهیم علیه السلام شرفیاب شدند.

در پایان، ما در نماز چنین عرضه می داریم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ...». گفتیم که «صراط» در اینجا به معنای «عمل» است. صراط از جنس خشت و آهن نیست؛ بلکه حقیقتی است که با عمل، یکی گشته است. پس مقصود آن است که ما را به همان عملی رهنمون باش که عمل «الذین أنعمت علیهم» است. علی علیه السلام خود صراط مستقیم است؛ چراکه عمل او، عمل صالح مطلق است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. سوره مائده: ۳.

۲. همان: ۵۴.

۳. سوره بقره: ۱۲۴.